

شعر فارسی

شعر فارسی مسلمان است

استاد حسین مهدوی (م. مؤید) در گفتگویی که با ماهنامه شعر داشتند و در چند شماره قبل منتشر شد، عنوان کرده بودند که «من شعر فارسی را مسلمان می‌دانم.» حکمی که می‌تواند سرفصل طرح مباحث فراوان و پژوهش‌های گسترده‌ای در این رابطه قرار گیرد.

در تأویل جریان اصیل شعر معاصر و مرور سیر تاریخی آن به قرن سوم می‌رسیم؛ به سال‌های تولد و لب به سخن گشودن و بالندگی شعر، زمانی که اسلام در ایران به تمامی گسترش یافته و آموزه‌های هستی‌بخش آن در سطوح مختلف فرهنگی ایران نهادینه شده است و زبان فارسی به موازات گسترش و تعمیق این آموزه‌ها غنی‌تر و کارآمدتر شده و ظرفیت‌های تازه‌ای برای بیان اندیشه‌های والا پیدا می‌کند و چنین است که پیوند زبان و شعر فارسی تبدیل به پیوندی ماهیتی می‌شود. در ادامه و با درونی‌تر شدن آموزه‌های اسلامی و قرآنی در شعر فارسی، بزرگانی چون عطار و مولانا و حافظ تجلی عرفان اسلامی را در شعر فارسی به کمال می‌رسانند و حافظ که از شعر او می‌توان به عنوان قله شعر فارسی نام برد، این پیوند را چه در فرم و چه محتوا و در چه شیوه‌های بیانی متأثر از قرآن به اوج می‌رساند.

با توجه به میراث گران سنگ شعر فارسی، به جرأت می‌توان ادعا کرد که هیچ اثر شاخصی در شعر فارسی خلق نشده و شانس ماندگاری پیدا نکرده است، مگر این که بهره‌مند از پشتوانه آموزه‌های اسلامی و قرآنی بوده است. این درآمیختگی ماهیتی زبان و شعر فارسی با فرهنگ اسلامی به گونه‌ای است که حتی جریان روشنفکری بیمار ما هم - که به تبع از روشنفکران غربی - پنداشته بود برای اثبات روشنفکر بودن باید علم مخالفت و ستیز با دین و مظاهر آن را بردارد - آن‌گاه که شعری ماندگار سروده است، ناخواسته توانسته است از جنبه این آموزه‌ها رها شود و آنجا که شعرش با این آموزه‌ها پیوند نداشته، به‌طور کل، شعری به سامان نرسانده است که قابل طرح و بحث باشد. با این وصف هر شعر فارسی بدون در نظر داشتن این که شاعرش چه کسی باشد، اگر شانس ماندگاری پیدا کرده و در حافظه تاریخی شعر فارسی ثبت شده است، شعری مسلمان و با پشتوانه آموزه‌های اسلام و قرآن بوده است.

سردبیر

